

روزنامه شرق

لاشه نهنگ در ساحل سیریک هرمزگان، عکس: عابد قاسمی، میزان



www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۳۹۹ • ۵ محرم ۱۴۴۲ • ۲۵ آگوست ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۰۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۲۰:۰۰

اذان صبح فردا ۵:۰۳ • طلوع آفتاب ۶:۳۲

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌رو

نور نوشت

زیر پوست شهر

بازنشستگان یا فراموش‌شدگان!

نبی‌الله عشقی‌ثانی

یکی از روزهای هفته‌ای که گذشت، یعنی ۲۵ مرداد، از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان روز خانواده و تکریم بازنشستگان نام‌گذاری شده است؛ روزی که قرار است با دیگر روزها فرق داشته باشد؛ زیرا باور عمومی آن است که همه روزها روز خانواده است و نکوداشت بازنشستگان نیز امری واجب بر همگان. تعریف معمولی که از بازنشستگان ارائه می‌شود، مجموعه افرادی هستند که حدود ۸۰ درصد دوران زندگی خود را با کار، تلاش و فعالیت سیری کرده‌اند و اکنون به مقطعی از عمرشان رسیده‌اند که توان و انرژی سال‌های قبل را ندارند؛ پس ضرورت دارد برنامه‌ای مناسب این مرحله از زندگی برای خودشان تعریف کنند. در جامعه ما، بازنشسته بیشتر به افرادی گفته می‌شود که حدود ۳۰ سال از عمرشان را در تشکیلاتی سازمانی مثل ادارات، شرکت‌ها یا در برخی مشاغل به کار و فعالیت مشغول بوده، حق بیمه پرداخت کرده و اکنون با دریافت مبلغی حقوق، دوران بازنشستگی را سپری می‌کنند. سن بازنشستگی در کشورهای مختلف از ۶۰ تا ۷۰سالگی متغیر است. در کشور ما انجام ۳۰ سال خدمت، زمان رسیدن به مرحله بازنشستگی است. برخی آمارها حاکی از این است که تعداد سالمندان هشت میلیون نفر، تقریبا معادل ۱۰ درصد جمعیت است. از این تعداد، حدود سه میلیون نفر مشمول مقررات صندوق بازنشستگی کشوری، تأمین اجتماعی و نظامی هستند و دو میلیون نفر سالمند نیز تحت حمایت کمیته امداد و بهزیستی هستند؛ الباقی یعنی نزدیک یک سوم نیز مشمول قوانین حمایتی یا بازنشستگی نیستند. خوشبختانه اکثریت سالمندان با خانواده زندگی می‌کنند و فقط ۲۰ درصد سالمندان زن و ۱۰ درصد سالمندان مرد در تنهایی به سر می‌برند و حدود ۲۰ هزار نفر نیز در مراکز نگهداری سالمندان تحت مراقبت هستند. افزایش آمار افراد سالمند در هر جامعه‌ای نشان‌دهنده بهبود وضعیت بهداشت و درمان، سلامت و بهزیستی مردم است؛ یعنی امید به زندگی بالا است. از سوی دیگر، با افزایش تعداد سالمندان، توان اقتصادی و نیروی کار جامعه کاهش پیدا می‌کند. در کشور ما، تعداد موالید رو به کاهش است و تعداد سالمندان رو به افزایش دارد که آن را بحران سالمندی می‌گویند. از منظر دیگر، صندوق‌های بازنشستگی اکنون نگران تأمین منابع مالی برای پرداخت حقوق افراد بازنشسته هستند؛ به‌طوری‌که یکی از مسئولان صندوق‌های بازنشستگی اعلام کرده حدود ۲۰ درصد حقوق بازنشستگان از محل کسورات قانونی زمان اشتغال و درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی پرداخت و باقی آن از سوی دولت تأمین می‌شود. این مسئله نشان‌دهنده وابستگی شدید صندوق‌های بازنشستگی به منابع مالی دولت است که آن هم پیوسته رو به کاهش بوده؛ در نتیجه حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران همه‌ساله فقط مختصری اضافه می‌شود که آن هم با افزایش تورم، در حقیقت به جای رشد کاهش می‌یابد که نارضایتی آنان را به همراه دارد. مبالغ پرداختی به بازنشستگان در مقابل تورم لجام‌گسیخته، آن‌قدر کم‌ارزش شده است که حتی تکاپوی ضروری‌ترین نیازهای آنان را نمی‌دهد و بازنشستگان با منع کرده است. اینها فقط بخشی از چالش‌های زندگی در خانواده و تأمین هزینه‌های ضروری خود هستند؛ آن‌هم در مقطعی از عمر خود که توان کار ندارند، قیمت‌ها بسیار افزایش یافته و فرزندان و عروس و داماد و نوه‌ها هم از آنان انتظار محبت، مساعدت و هدیه دارند، همچنین هزینه‌های بهداشتی و درمانی آنان نیز به دلیل بروز بیماری‌های دوران سالمندی پیوسته رو به افزایش است و بیمه درمانی مکفی نیز ندارند. «برخی نیز که استثنائا کاری پیدا می‌کنند، معمولا مناسب کمک و مساعدت با نیستند و توانایی آنان نیست و بعضا با سرزنش و سؤال صاحبکاران مواجه‌اند که همه چیز را فراموش می‌کنی، حواس نداری، خودت را جمع‌وجور کن و مانند این. هنگام پرداخت حق الزحمه هم به آنان می‌گویند شما که جوان نیستید، توان کار هم ندارید، انتظار چه حقوقی دارید و...».

از سوی دیگر، نیروهای جوان هم حضور سالمندان در محل کار را مزاحم خود می‌پندارند و چندان موافق حضور آنان نیستند. در چنین شرایطی، دولت هم استمرار اشتغال بازنشستگان را منع کرده است. اینها فقط بخشی از چالش‌های زندگی در دوران سالمندی و مشکلات بازنشستگان است که باید از سوی دولت، صندوق‌های بازنشستگی و برنامه‌ریزان اقتصادی محل بررسی قرار گیرد. در این میان، بسیاری از مواقع مسئولان و برنامه‌ریزان، امور بازنشستگی را فراموش می‌کنند؛ درحالی‌که هر راهکار، طرح و برنامه‌ای باید متمرکز بر حفظ شأن و احترام بازنشستگان باشد. بازنشستگان مطالبه حق و حقوق خود را می‌کنند، نه آنکه متقاضی کمک و مساعدت باشند. بعد از ۳۰ سال زحمت، کار و تلاش، طبیعی است که این افراد از رفاهی نسبی برخوردار بوده و زندگی بدون دغدغه‌ای داشته باشند. برای تحقق این امر، انجام اصلاحات در قوانین موجود، بررسی شیوه عملکرد دیگر کشورها، نحوه مدیریت سرمایه‌های صندوق‌های بازنشستگی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور و قابل اطمینان که دارایی‌های صندوق‌های بازنشستگی را دچار ضرر و زیان نکند، باید مورد عنایت قرار گیرد.

خواندن روایت‌های فراوانی از یک متجاوز سریالی در تهران موجب شد تا به خبری که یکی، دو ماه پیش درباره مسائل مشابهی که در مصر رخ داده بود، سر بزنم و ببینم در جریان آن ماجرا، افشاگری آزاردیده‌ها از مسئله به چه نتایجی منجر شده بود. اوایل جولای امسال بود که یک هشتگ در مصر داغ شده بود: «المتحرش_احمد_بسطام_زکی» که از تجاوزهای سریالی یک دانشجوی مصری به بیش از ۵۰ زن خبر می‌داد. اولین روایت را دختری از شرح آزارهای احمد بستام زکی در فیس‌بوک منتشر کرد که به سال ۲۰۱۸ بازمی‌گشت. این پست که با جزئیات زیادی به مسئله آزارهای جنسی آقای بستام زکی اشاره داشت، در یک گروه تخصصی دانشگاه AUC در فیس‌بوک منتشر شده بود و البته مدتی بعد توسط مدیران گروه پاک شد اما شروعی بود برای روایت‌های زنان دیگری که توسط این فرد مورد آزار قرار گرفته بودند. آنها روایت‌های خود را با هشتگ «المتحرش_احمد_بسطام_زکی» به اشتراک گذاشتند و به این ترتیب موجی از افشاگری درباره مردی که چند سال در محیط دانشگاهی و آموزشی یک دانشگاه در قاهره زنان را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد، به راه افتاد. به‌راه‌افتادن این موج اخبار موجب شد در اولین گام وضعیت تحصیلی آقای بستام زکی در دانشگاه کسب‌وکار بارسلون به حالت تعلیق درآید. چند نفر از زنانی که مورد آزار و اذیت این فرد قرار گرفته بودند، در گزارش‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی‌شان منتشر کرده بودند، از اخاذی آقای بستام زکی هم حرف زده بودند. اینکه احمد بستام زکی با عکس‌هایی که از آنها در دست داشته، آنها را تهدید می‌کرده که ممکن است تصاویر را در اختیار خانواده‌شان قرار دهد یا اینکه آنها را در شبکه‌های اجتماعی پخش کند. سابقه گزارش‌ها درباره آقای بستام زکی نشان می‌دهد که مدیران دانشگاه او در قاهره پیش‌تر از آزارها و رفتارهای خارج از عرف او خبر داشتند اما چندان به مسئله اهمیت نداده بودند و تنها به این نکته بسنده کرده بودند که به زنان و دختران هشدار بدهند که در بارگذاری تصاویرشان در شبکه‌های اجتماعی نهایت دقت را داشته باشند و مسائلی از این دست. همچنین در آن زمان شایعاتی درباره کارهای احمد بستام زکی در دانشگاه پیچیده بود که دوستانش سعی کردند با راه‌اندازی گروهی تلاش کنند تا شهرت لکه‌دارشده دوست‌شان را ترمیم کنند. مصر یکی از کشورهای است که بنا بر عرف موجود در آن، آزاردیده‌ها بیش از هر کس دیگری مورد سرزنش قرار می‌گیرند و در این میان کمترین تهدیدها متوجه متعرض یا متجاوز است. مثال معروفش سرنوشت غم‌انگیز منا عبدالعزیز است که در یک ویدئوی لایو فیس‌بوکی اعلام کرده بود توسط فردی مورد تجاوز قرار گرفته و نهایت خودش به دلیل «اشاعه فحشا و زینب‌گذاشتن ارزش‌های خانواده» بازداشت شد. با این حال موج دوم افشاگری علیه آقای بستام زکی، عبدالله رشی که از اعضاء مشهور و فعال در شبکه‌های اجتماعی این بار این متجاوز سریالی مصری که از افراد آزاردیده اخاذی هم می‌کرد، بازداشت و تحقیقات گسترده‌ای درباره او انجام شود. اما اتفاق مهم‌تر در پیونده تجاوز بستام زکی بعد از آن بود. دانشگاه دینی الازهر مصر در بیانیه‌ای و در نتیجه اخبار تکان‌دهنده این پرونده در کنار افراد آزاردیده قرار گرفت و از آنها حمایت کرد. چیزی که در فضای مصر اتفاقی عجیب بود. الازهر در بیانیه خود از همه کسانی که به هر نحوی آزار دیده بودند درخواست کرد که در این موارد سکوت نکنند و با افشای این مسئله به آزارگرها و متجاوزها امنیت ندهند و جامعه را برای زنان امن‌تر کنند. الازهر در بیانیه خود بر این نکته هم تأکید کرد که طرز پوشش و لباس و آرایش زنان به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند بهانه‌ای برای آزاررساندن به آنها باشد. این مسئله به یک رویداد مهم در الازهر هم اشاره داشت؛ تعلیق یک مفتی که در جریان خبرهای مربوط به پرونده احمد بستام زکی با سرزنش قربانیان گفته بود که لباس‌های تنگ و کوتاه علت تجاوز به زنان مصری است. عبدالله رشی که از اعضاء مشهور و فعال در شبکه‌های اجتماعی است، پیش از این هم ادعا کرده بود اگر دختران از لحاظ فیزیکی و ذهنی توان ازدواج را داشته باشند، می‌توانند در ۹ سالگی هم ازدواج کنند. این اظهار نظر او و واکنش‌های خشمگینانه کاربران شبکه‌های اجتماعی به او باعث شد وزارت اوقاف مصر واکنش نشان دهد و او را تعلیق کند. اتفاقاتی که در پی پرونده پسروصدی آقای بستام زکی رخ داده نشان از اندک حرکت‌های رو به جلو در کشوری دارد که به حمایت از متجاوزان و سرزنش آزاردیده‌ها شهرت دارد.

سایت میدان مطلبی از جسیکا والتی که در نشریه نیش درباره چگونه نوشتن از تجاوز منتشر کرده، ترجمه کرده است. این مطلب درباره نحوه نگارش خبر در آمریکا ست؛ در کشوری که در هر دو دقیقه یک زن مورد تجاوز قرار می‌گیرد و ضروری به نظر می‌رسد که بداندن چطور درباره این موضوع به‌درستی صحبت کنند. «فمینیست‌ها زمان زیادی صرف می‌کنند تا روزنامه‌ها و نهادهای رسانه‌ای در پوشش‌دادن تجاوز، وظایفشان را به‌درستی انجام دهند و حق هم زنان و تمام نجات‌یافتگان و بخش‌های خبری بسیار شایع است، موارد تجاوز جنسی اغلب با نام یا توصیف اشتباه منتشر می‌شود و رفتار زنان یا موشکافی بیشتری از جنایات متجاوزان بررسی می‌شود». در این مطلب چند پیشنهاد ارائه می‌شود؛ اما به عنوان یک فرد فعال رسانه‌ای این نویسنده اشاره کرده که «آمریکا مشکل تجاوز ندارد، اپیدمی تجاوز دارد. هر دو دقیقه

کوجهای حسینی در محرم کرونایی

برنامه‌های عزاداری و پرداختن به مسائل جناحی و غفلت از پیام قیام عاشورا مطرح شده است. مراسم عزاداری در کشور، به‌ویژه برنامه‌هایی که از تلویزیون پخش می‌شود، به جای عالم‌محور، مداح‌محور شده است. مداحانی که بیشتر از آنکه در حوزه ارتقای اخلاقی جامعه فعال باشند، در محفل‌های سیاسی سرگرم هستند و اشعارشان، بیشتر طعنه به رقیبان سیاسی است تا دعوت مردم به پرهیز از دروغ و دغل و استفاده ایزاری برخی سیاستون تمامیت‌طلب، از این مداحان، فضایی متفاوتی را ایجاد کرده که با اهداف شعائر محرم، فرسنگ‌ها فاصله دارد. انتظار این است که صداوسیما الگوسازی کند و مباحث اخلاقی اثربخش را با پرهیز از خطبازی جناحی و محفلی، در برنامه‌ها مورد توجه قرار دهد. این ایام تأثیرگذار که اغلب قریب به اتفاق مردم در آن به نحوی مشارکت دارند و به خاطر محدودیت‌های کرونایی، از برنامه‌های عزاداری رادیو و تلویزیون بهره‌مند می‌شوند، فرصت بزرگی است تا رسانه ملی، شیوه مالوف خود را اصلاح کند و از این فرصت گران‌بها برای اصلاح فرهنگ عمومی جامعه بهره ببرد. اگر از منظر فضیلت‌طلبی به فرهنگ رفتاری رایج بر جامعه امروز ایران بنگریم و با مُرّ تعالیم ایرانی-اسلامی‌مان قیاس کنیم، خواهیم دید بسیاری از رفتارها و عادت‌های عادی که در زندگی اجتماعی ما رواج دارد، هم با فرهنگ ایرانی منافات دارد و هم با فرهنگ و معارف اسلامی؛ آلودگی‌هایی مثل دروغ، تملق، دورویی، بدهدعی، استهزا، تهمت، غیبت، تجسس در کار دیگران، بی‌نظمی، اسراف و افراط، نداشتن روحیه کار جمعی، کاهلی در کار و تمام‌نکردن یا رهاکردن کارهای نیمه‌تمام که از گذشته تاکنون با ضعف و شدت در جامعه ما رواج داشته‌اند و در دهه‌های اخیر شدت گرفته‌اند و برخی از نقاط ضعف فرهنگ رایج در جامعه هستند، مایه تأسف است. تقلید از مظاهر زندگی غربی و تغییر سبک زندگی به سبکی مصرف‌گرا را نیز می‌توان یکی دیگر از نقاط ضعف این فرهنگ به شمار آورد. حوزه فرهنگ، حوزه مظلومی است که با وجود اینکه مدعیان بسیار دارد، همواره در کل، مدیریتتی ضعیف و سلیقه‌ای را تجربه کرده است. بیش از ۵۰ نهاد و سازمان، خود را مدعی فرهنگ می‌پندارند؛ اما این مدعیان بیش از آنکه از فرصت‌هایی مانند ایام محرم برای ارتقای سطح فرهنگی جامعه بهره ببرند، خود را با مسائل حاشیه‌ای و تبلیغی و صرف بودجه‌های گزاف، مشغول کرده‌اند و مطالباتی مانند مهندسی فرهنگی، پیوست‌های فرهنگی و نظایر اینها، اغلب در حد نظری و لفظ‌پردازی در رسانه‌ها معطل مانده است. سازمان صداوسیما، برنامه‌های مترقی شهرداری تهران در بخش فرهنگی و اجتماعی را الگو قرار دهد و در این محرم کرونایی، شاهد کوجهای حسینی باشیم که ساکنان آن از عزاداری محرم، درس آزدگی و راستی و درستی و پرهیز از دروغ و تملق بیاموزند. پیام درست قیام عاشورا این است.

خبر

چگونه نوشتن از تجاوز

یک زن در این کشور مورد تجاوز قرار می‌گیرد، به ۴۲ درصد آزاردیدگان قبل از ۱۸سالگی تجاوز شده و از هر سه زن بومی یک مورد تجاوز گزارش شده است؛ تقریبا مانند ۱۹ درصد از زنان آفریقایی-آمریکایی. ۹۷ درصد از متجاوزان هرگز به زندان نمی‌روند. وظیفه یک خبرنگار این است تا اطمینان حاصل کند که روایت‌های تجاوز با حقیقت و مراقبت پوشش داده می‌شوند و به‌گونه‌ای نیستند که کشور را برای متجاوز تبدیل به جایی امن کند. خبرنگاران فرهنگ را نیز شکل می‌دهند. پس باید فرهنگ ساخت که برای زنان و تمام نجات‌یافتگان حملات جنسی امن‌تر باشد».

این‌روضا روشنگری‌هایی در شبکه‌های اجتماعی رخ داده است و بسیاری از زنان و مردان از تجربه‌های خود می‌نویسند و وظیفه سختی بر عهده رسانه‌ها و افراد مختلف است تا بازگویی این اتفاقات به‌خوبی انجام شود تا بتوان بیشتر و بیشتر امنیت برای همگان فراهم شود.

پیشنهاد

فضای اجتماعی آن بررسی می‌کند و به ارتباط بینامتنی و تاریخی میان آثار نویسندگان دوره‌های مختلف خواهد پرداخت. در کارگاه تحلیلی «متون کلاسیک ایران» نیز محمد دهقانی با روخوانی بخش‌هایی از متون کهن ادبیات فارسی به تحلیل جویایی فرهنگی-اجتماعی این متون و تأثیر آنها بر تفکر، فرهنگ و زندگی امروزی‌ن ما و همچنین شناخت ضعف‌ها و کاستی‌های‌شان بر اساس معیارهای تفکر انتقادی خواهد پرداخت. کارگاه «جریان‌شناسی شعر معاصر» کامیار عابدی نیز با هدف شناخت و تحلیل مهم‌ترین نخله‌ها، گروه‌ها، نشریه‌ها، چهره‌ها و نمونه‌های شعر معاصر ایران در سده بیستم و دو دهه نخست سده بیست‌ویکم میلادی برگزار خواهد شد. البته کارگاه‌های استادان احمد پوری، محمد دهقانی و کامیار عابدی بنا بر شرایط به صورت حضوری یا آنلاین یا هم‌زمان به هر دو شیوه برگزار خواهد شد و کارگاه‌های استادان امیرحسین چهلتن و حسن میرعابدینی بعد از فروکش‌کردن بحران کرونا به صورت حضوری برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند به سایت مؤسسه به نشانی: http://arttomorrow.com مراجعه کنند.

برگزاری کارگاه‌های تخصصی چهلتن، دهقانی، پوری، عابدی و میرعابدینی

کارگاه‌های تخصصی احمد پوری، محمد دهقانی، کامیار عابدی، امیرحسین چهلتن و حسن میرعابدینی در حوزه ادبیات قرار است در مؤسسه فرهنگی- «هنر فردا» برگزار شود. احمد پوری در کارگاه «فنون ترجمه شعر» به مراکز توجه در ترجمه شعر در قیاس با دیگر انواع ترجمه و همچنین ذات و کارکرد شعر به طور عام خواهد پرداخت و همچنین در خلال جلسات کارگاه، مباحثی درباره شناخت شعر و کشف رازها و ریزه‌گرای‌های آن مطرح خواهد کرد. کارگاه داستان‌نویسی امیرحسن چهلتن نیز شامل تدریس اصول و مقدمات داستان‌نویسی به همراه کار کارگاهی خواهد بود. در بخش اول که در دو حوزه داستان کوتاه و رمان است، مباحثی در زمینه ساختار رمان، انواع داستان کوتاه، پلات (پیرنگ)، شخصیت‌پردازی، نظرگاه، عنصر تعلیق، راوی کودک، شباهت‌ها و تفاوت‌های فیلم‌نامه و داستان، انواع روایت، زبان و... مطرح خواهد شد. حسن میرعابدینی در کارگاه «جریان‌شناسی داستان معاصر، داستان ایرانی را در بستر دوره‌های تاریخی و

اتفاق

۳ خبرنگار «شرق»

برگزیده جایزه امین‌الضرب

● شکوفه حبیب‌زاده رتبه اول گزارش تحلیلی توصیفی، مهفام سلیمان‌بیگی نفر دوم گفت‌وگو و لیلا مرکن رتبه سوم مشترک در بخش تیتَر جایزه امین‌الضرب شناخته شده‌اند.

جشنواره فرهنگی امین‌الضرب که توسط اتاق بازرگانی تهران برگزار می‌شود، امسال نیز سومین دوره خود را پشت سر گذاشت. در این جشنواره آثار خبرنگاران و روزنامه‌نگاران اقتصادی با محوریت



موضوعات مربوط به بخش خصوصی، کارآفرینی، بازار و... در چند رشته توسط استادان روزنامه‌نگاری و پیش‌کسوتان این حوزه مورد بررسی و داوری قرار گرفت. مسعود خوانساری، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، با بیان اینکه فلسفه برگزاری مراسم کارآفرینی امین‌الضرب، معرفی کارآفرینان و فعالان اقتصادی به جامعه بوده است، گفت: «هدف از برگزاری جشنواره فرهنگی امین‌الضرب نیز تقدیر از خبرنگاران پرتلاش در حوزه اقتصادی و معرفی آنان به جامعه فرهنگی و رسانه‌ای کشور است». او با اشاره به اینکه در اصلاح نگرش‌های ضدسرمایه‌داری در جامعه، نقش رسانه‌ها نیز حائز اهمیت است، ابراز امیدواری کرد که رسانه‌ها بتوانند جامعه را پذیرای سرمایه‌گذاری اعم از داخلی و خارجی کنند. در ادامه این جلسه، سیده‌فاطمه مقیمی با بیان ویژگی‌های سومین دوره جشنواره فرهنگی امین‌الضرب گفت: «جامعه‌ای توسعه می‌یابد که بدون نگرش‌هایی از جنس تفکیک جنسیتی، زنان در کنار مردان به فعالیت مشغول باشند». بیانیه هیئت داوران از سوی پیمان دارابیان، مدیر امور مالیاتی اتاق تهران خوانده شد: «روزنامه‌نگاران اقتصادی از سویی می‌خواهند با نشان‌دادن واقعیت‌های اقتصادی کشور، مردم را به آرایش و همراهی دعوت کنند و از سوی دیگر، با نقد سیاست‌ها و انعکاس کاستی‌ها، نماینده و چشم و گوش مردم در برابر مسئولان و مقامات باشند. این کار در شرایط پیچیده امروز، نیازمند دقت و تلاش بسیار است و از روزنامه‌نگاران اقتصادی انتظار می‌رود همچنان که در گذشته در مواجهه با آمار ورقام و دندوری‌های قلم روندهای اقتصادی، دقیق و عاری از هیجان کار خود را پیش می‌برند، تلاش مضاعفی به خرج دهند و حوزه‌های تخصصی تجارت و تولید را در جهت منافع جامعه و فعالان اقتصادی روایت کنند. اما متأسفانه آثار بررسی‌شده در دوره سوم جشنواره فرهنگی امین‌الضرب نشان داد که کیفیت تولیدات رسانه‌های اقتصادی نسبت به سال گذشته افت کرده است. شاید علت افت کیفیت آثار، رکود اقتصادی و شیوع ویروس کرونا باشد که تمام ابعاد جامعه ایرانی و جهانی را تحت‌الشعاع قرار داده است. اما نکته اینجاست که اتفاقا روزنامه‌نگاری و رسانه‌ها در این شرایط ویژه و دشوار باید بیش‌ازپیش تلاش به خرج دهند و وظیفه خود را به انجام برسانند. همچنین امیدواریم با رفع مشکلات اقتصادی و گذشتن از دوران سخت همه‌گیری بیماری کووید۱۹، شاهد رونق‌گرفتن دوباره روزنامه‌نگاری اقتصادی در کشور باشیم تا فواید این شاخه از روزنامه‌نگاری بتواند مردم و جامعه ایران را از فواید و ثمرات خود بهره‌مند کند».

جوایز نفرت برتر توسط مسعود خوانساری، رئیس، سیدفاطمه مقیمی، عضو هیئت‌رئیس و مصطفی درویشی، مدیر حوزه ریاست و روابط‌عمومی اتاق تهران به آنان اهدا شد. در بخش گزارش توصیفی- تحلیلی رتبه اول از آن شکوفه حبیب‌زاده از روزنامه «شرق»، رتبه دوم را فهیمه طباطبایی از روزنامه همشهری و زهرا بارانی از تجارت‌نیوز رتبه سوم را دریافت کرد. در بخش صحابه رتبه اول به فرشته فریادرس از روزنامه اعتماد، رتبه دوم به مهفام سلیمان‌بیگی از روزنامه «شرق» و رتبه سوم به‌طور مشترک به سیدعلی دوستی‌موسی، روزنامه اطلاعات و آیسان تنها از روزنامه ایران رسید. در بخش تیتَر مرجان اسلامی‌فر از روزنامه ایران و به‌طور مشترک رتبه سوم به لیلا مرکن از «شرق» و راضیه علویور از خبرگزاری ایرنا رسید. در بخش یادداشت و سرقااط به‌طور مشترک از تجارت‌نیوز، رتبه دوم و مرتضی عبدالحسینی از روزنامه فرهیختگان رتبه سوم را دریافت کرد. در بخش گزارش خبری از روزنامه شهروند پریسا اسلام‌زاده رتبه اول و مریم شکرانی رتبه دوم و مجید انظاری از خبرگزاری ایسنا رتبه سوم را دریافت کردند.